

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات لوقا-اعمال رسولان، جلسه ۹، کلیسا در لوقا، بخش ۲ مارشال، برای نجات گمشدگان

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات لوقا-اعمال رسولان. این جلسه نهم است، رابرت ای. پترسون، کلیسا در لوقا، قوم خدا در عهد جدید، بخش ۲، و من. هاوارد مارشال، برای نجات گمشدگان.

ما مطالعه خود را در مورد لوقا در الهیات با انجیل لوقا ادامه می‌دهیم، به طور خاص سخنرانی‌های من در مورد کلیسا یا قوم خدا در انجیل لوقا، درست است؟ نه در اعمال رسولان. اگر خدا بخواهد، بعداً به آن خواهیم پرداخت.

و قسمت پنجم، دریافت‌کنندگان فیض، لوقا ۱۵، ۱۱ تا ۳۲ است. پس از تمثیل گوسفند گمشده و سکه گمشده، تمثیل پسر گمشده یا ولخرج را می‌خوانیم. و عیسی گفت، مردی بود که دو پسر داشت و پسر کوچکتر به پدرش گفت، پدر، سهمی را که از اموال به من می‌رسد به من بده.

و اموالش را بین آنها تقسیم کرد. چند روز بعد، پسر کوچکتر هر چه داشت جمع کرد و به سرزمینی دور سفر کرد. و در آنجا، اموالش را در عیاشی و بی‌بندوباری بر باد داد.

و چون همه را خرج کرد، قحطی سختی در آن دیار پدید آمد و او سخت نیازمند شد. پس رفت و خود را به یکی از اهالی آن دیار سپرد و او او را به مزرعه‌اش فرستاد تا خوک‌ها را چراند. و او آرزو داشت با خورشی که خوک‌ها می‌خوردند، سیر شود، و هیچ‌کس چیزی به او نمی‌داد.

اما وقتی به خود آمد، گفت: «بسیاری از کارگران پدرم نان کافی دارند، اما من اینجا از گرسنگی هلاک می‌شوم.» برمی‌خیزم و نزد پدرم می‌روم. به پدرم می‌گویم، به او می‌گویم، پدر، من به آسمان گناه کرده‌ام و دیگر در حضور تو، لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم.

با من همچون یکی از نوکران خود رفتار کن.» و برخاست و نزد پدرش آمد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دید و دلش به حالش سوخت و دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید.

و پسر به او گفت: ای پدر، من به آسمان گناه کرده‌ام و دیگر در حضور تو لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. اما پدر به خدمتکاران گفت: زود بهترین ردا را بیاورید و به او بپوشانید و انگشتری بر دست و کفش بر پاهایش کنید و گوساله پرواری را بیاورید و آن را ذبح کنید و بگذارید او بخورد و ما هم بخوریم و جشن بگیریم. به همین دلیل، پسر مرده بود و دوباره زنده شد.

او گم شده بود و پیدا شد. و آنها شروع به جشن و سرور کردند. حالا برادر بزرگترش، پسر بزرگترش در مزرعه بود.

و چون آمد و به خانه نزدیک شد، صدای موسیقی و رقص شنید. پس یکی از خدمتکاران را صدا زد و پرسید که این چیزها چیست. او گفت: «برادرت آمده و پدرت گوساله‌ای پروار کشته است، زیرا او را صحیح و سالم باز یافته است.»

اما او عصبانی شد و حاضر نشد وارد شود. پدرش بیرون آمد و او را معالجه کرد. اما او به پدرش پاسخ داد: «بین، من در این سال‌ها به تو خدمت کرده‌ام و هرگز از فرمان تو سرپیچی نکرده‌ام»

تو حتی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستانم جشن بگیرم. و وقتی پسر آمد که اموال تو را با فاحشه‌ها خورده است، برایش گوساله پرواری کشتی. آنها به او گفتند: «پسر، تو همیشه با من هستی و هر چه از آن است، من است، از آن دوست

شایسته بود که از این بابت جشن بگیریم و شادی کنیم. برادرت مرده بود و زنده شد. گم شده بود و پیدا شد.

لوقا ۱۵ شامل سه مَثَل است که به اشیا یا اشخاص گمشده می‌پردازند: گوسفند گمشده، آیات ۴ تا ۷؛ سکه گمشده، آیات ۸ تا ۱۰؛ و پسر گمشده، آیات ۱۱ تا ۳۲. دو بار، کلمه گمشده برای پسر استفاده شده است. او گمشده بود و در آیه ۳۴ و همچنین در آخرین آیه ۳۲ یافت می‌شود.

آیات مقدماتی زمینه را برای تمثیل‌ها آماده می‌کنند. این سه تمثیل - باجگیران و گناهکاران - می‌خواستند به سخنان عیسی گوش دهند، اما فریسیان و کاتبان در آیات اول و دوم از دوستی عیسی با گناهکاران نزد خود شکایت کردند. با پیشروی فصل، عیسی این تمثیل‌ها را برای توجیه رفاقت خود با گناهکاران بیان می‌کند.

با انجام این کار، او دو گروهی را که در آیات اول و دوم معرفی شده‌اند، مخاطب قرار خواهد داد. چوپانی که گوسفند دارد، یکی از آنها را گم می‌کند. او ۹۹ گوسفند دیگر را رها می‌کند و به دنبال گوسفند گمشده ۱۰۰ می‌گردد تا آن را پیدا کند.

این مَثَل، شادی یافتن گمشده را ستایش می‌کند. چوپان با شادی گوسفند پیدا شده را بر دوش خود می‌گذارد. تا آن را به خانه ببرد، آیات ۵ و ۶. او همسایگانش را دعوت می‌کند تا با او از یافته‌اش شادی کنند، آیه ۶.

عیسی می‌گوید که در آسمان برای یک گناهکار که توبه می‌کند، شادی بیشتری نسبت به ۹۹ فرد درستکار که نیازی به توبه ندارند، وجود خواهد داشت. با این تمثیل، عیسی باجگیران و گناهکاران را به توبه دعوت می‌کند، در حالی که فریسیان و کاتبان خودپسند را که فکر می‌کنند نیازی به توبه ندارند، سرزنش می‌کند. پیام عیسی برای زنی که به دنبال سکه گمشده‌اش می‌گردد و آن را پیدا می‌کند، یکسان است.

بعد از پیدا کردن آن، دوستانش را به یک مهمانی دعوت می‌کند و به آنها می‌گوید که با او شادی کنند، آیه عیسی دوباره نکته را بیان می‌کند، نقل قول، به همان شیوه، به شما می‌گویم که در حضور فرشتگان خدا. ۹. برای یک گناهکار که توبه می‌کند، شادی وجود دارد، آیه ۱۰. خوانندگان از زن انتقاد کرده‌اند که برای مهمانی بیشتر از ارزش سکه پیدا شده هزینه کرده است.

ادواردز این تصور را اصلاح می‌کند. جیمز ادواردز، انجیل به روایت لوقا، صفحه ۴۳۷، «این تمثیل درباره اقتصاد نیست، بلکه درباره لطف خداست، شاید حماقت لطف خداست که گمشدگان را تا زمانی که پیدا شوند، جستجو می‌کند و وقتی پیدا شدند، با پی‌خیالی، بهبودی آنها را جشن می‌گیرد. شادی خدا هیچ قیمتی ندارد. در این نقطه، شکاف بزرگی، علامت تعجب ۱۶:۲۶ در پرانتز، شکاف بزرگی بین فریسیان و پادشاهی خدا وجود دارد. آنها وقتی عیسی با بسیاری از گناهکاران و باجگیران غذا می‌خورد، شکایت می‌کنند، اما وقتی «یکی از آنها توبه می‌کند، تمام بهشت شاد می‌شود»

مارشال درست می‌گوید، «کاربرد دو تمثیل اول کاملاً آشکار می‌کند که چنین شادی‌ای بازتابی از شادی است که خداوند هنگام بازیابی آنچه از دست داده است، احساس می‌کند.» تفسیر مارشال بر لوقا، صفحه ۵۹۷

بنابراین عیسی به شکاف بزرگی بین نگرش خدا نسبت به گناهکاران توبه‌کار و نگرش رهبران یهود اشاره می‌کند. هرچه از یک مثل به مثل دیگر می‌رویم، شیء یا شخص گمشده اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گوسفند گمشده تنها یکی از صد گوسفند بود.

سکه گمشده یکی از ده بود. پسر گمشده یکی از دو بود. بنابراین ارزش آنچه گم شده بود در این تمثیل‌ها افزایش می‌یابد.

عیسی تمثیل پسر گمشده را با معرفی سه شخصیت آغاز می‌کند: یک مرد و دو پسرش. پسر کوچکتر با درخواست زودهنگام ارث از پدرش، به او توهین می‌کند. پدر با مهربانی درخواست پسرش را می‌پذیرد و پسر آنجا را ترک می‌کند، آیه ۱۲.

کمی بعد، او دارایی خود را جمع‌آوری کرد و به سرزمینی دوردست سفر کرد و در آنجا اموالش را در زندگی بی‌ملاحظه بر باد داد. وضعیت پسر بدتر شد زیرا نه تنها تمام دارایی خود را خرج کرده بود، بلکه قحطی شدیدی در آن سرزمین رخ داده بود، آیه ۱۵. پسر کوچکتر، ناامید، نزد مردی که صاحب خوک‌ها بود، به چراندن آنها مشغول شد.

اما پسر خود را گرسنه، بی‌پول و بدون دوست یافت. وقتی به اوضاع فکر کرد، متوجه شد که کارگران پدرش چیزهای زیادی دارند و او ندارد. بنابراین تصمیم گرفت به خانه برود، از پدرش عذرخواهی کند و به عنوان کارگر مزدور درخواست کار کند، آیات ۱۷ و ۱۹.

او سخنانش را از بر کرد. پدر، من در حق آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام. دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم.

با من همچون یکی از مزدوران خود رفتار کن، آیات ۱۸ و ۱۹. پس نزد پدرش بازگشت. اما پدر او را از دور دید، دلش به رحم آمد و دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید.

پسری که از سفر بازگشته بود، سخنرانی تمرین‌شده‌اش را آغاز کرد، اما نتوانست آن را به پایان برساند. زیرا پدر به خدمتکارانش دستور داده بود که برای پسرش ردا، انگشتر و صندل بیاورند و اعلام کنند که جشنی برپا خواهد شد، آیات ۲۱ تا ۲۳. سخنان پدر به یاد ماندنی است.

بیاپید غذا بخوریم و جشن بگیریم. به همین خاطر، پسر من مرده بود و زنده شد. او گم شده بود و پیدا شد.

پدر حتی دستور داد یک گوساله پرواری را ذبح کنند و جشن آغاز شد. با این حال، همه از بازگشت پسر ولگرد خوشحال نبودند. زیرا برادر بزرگتر واکنش بسیار متفاوتی به این خبر نشان داد.

رقص شنید، معنی آنها را پرسید و به او گفته شد که برادرش به خانه آمده و پدرت گوساله پرواری را کشته است، زیرا او را صحیح و سالم باز یافته است. آیات ۲۵ تا ۲۷. پسر بزرگتر عصبانی شد و به مهمانی نپیوست.

پدر مهربانش از او التماس کرد که این کار را انجام دهد. پسر همچنان امتناع می‌کرد و شکایت می‌کرد. او سال‌ها برای پدرش بردگی کرده بود و هرگز بزی برای جشن گرفتن با دوستانش به او داده نشده بود، چه برسد به گوساله‌ای پروار.

اما پسر عصبانی گفت که این دقیقاً همان کاری است که پدر با پسر کوچکترش کرد، که پولش را با فاحشه‌ها هدر می‌داد. پدر با ملایمت به آن سخنان تند پاسخ داد. پسر، تو همیشه با من هستی و هر چه از من است، از آن توست.

شایسته بود که جشن بگیری و شادی کنی که برادرت مرده بود و زنده شده است. او گم شده بود و پیدا شده است. آیات ۳۱ تا ۳۲

ما از این سه مَثَل، به ویژه مَثَل آخر، مطالب زیادی در مورد فیض خدا و قوم خدا در عهد جدید می‌آموزیم. لوقا قصد دارد هر سه مَثَل را با در نظر گرفتن مناسبت ذکر شده در آیات ۱ و ۲ بخوانیم. پسر ولخرج، نماینده باجگیران و گناهکاران و برادر بزرگتر نماینده فریسیان و کاتبان است. آسمان از پیدا شدن گمشدگان، از جمله باجگیران و گناهکاران، شادمان می‌شود و ما نیز باید چنین کنیم.

همانطور که فریسیان و کاتبان از انتخاب‌های عیسی برای هم‌نشینی در سر سفره شکایت داشتند، برادر بزرگتر نیز از مهمانی‌ای که برای برادر ولخرجش که به خانه آمده بود، ترتیب داده شده بود، شکایت داشت. نحوه برخورد گرین با این مسائل، شایسته نقل قول است. تفسیر جوئل گرین از لوقا

عیسی که به خاطر پذیرش کسانی که دوست دارند به سخنان عیسی نزدیک شوند، مورد انتقاد قرار گرفته است، با تأکید بر ضرورت الهی واکنش‌های شادمانه به بازیابی گمشدگان، پاسخ می‌دهد. او مانند پدر در این تمثیل، اهمیت پذیرش گمشدگانی را که بازیابی شده‌اند، از جمله کسانی که جایگاهشان به عنوان باج‌گیر و گناهکار، آنها را به هم‌نشینیان غیرقابل قبول سر سفره تبدیل می‌کند، به رسمیت می‌شناسد. کاتبان و فریسیان دعوت شده‌اند تا خود را در این تمثیل به عنوان پسر بزرگتر، مسئول و مطیع، بیابند، ظاهراً، اما در همبستگی خود با هدف رستگاری بخش خدا شکست می‌خورند.

علاوه بر این، در داستان مسح شدن عیسی توسط یک زن گناهکار، مانند آن داستان، این تمثیل نیز پایان باز دارد. حق با باک است. تفسیر لوقا جلد ۱، صفحه ۱۳۲۰

این داستان ما را بلا تکلیف می‌گذارد، زیرا به ما گفته نشده که برادر بزرگتر چه می‌کند. این تمثیل به این دلیل گذاشته شده است که خوانندگان لوقا بتوانند در مورد واکنش مناسب تأمل کنند. آیا اگر آنها جای برادر بودند، به داخل می‌رفتند؟ آیا در شادی شریک می‌شدند؟ آیا در فرصت کمک به گمشدگان برای یافتن «خدا شرکت می‌کردند؟ فرد باید انتخاب کند که چگونه به چالش عیسی برای یافتن گناهکاران پاسخ دهد.

قسمت ششم از لوقا ۱۹: ۱ تا ۱۰ است. قوم خدا در عهد جدید کسانی هستند که عیسی آنها را نجات می‌دهد. عیسی وارد اریحا شد و از آنجا عبور می‌کرد.

و اینک، مردی بود به نام زکی که رئیس باجگیران و ثروتمند بود. و می‌خواست ببیند عیسی کیست.

اما به دلیل ازدحام جمعیت، او نتوانست، زیرا قد کوتاهی داشت. پس، جلو دوید و از درخت چناری بالا رفت تا او را ببیند، زیرا او می‌خواست از آن راه عبور کند. و چون عیسی به آن مکان رسید، بالا را نگاه کرد و «به او گفت»: زگا، عجله کن و پایین بیا، زیرا من امروز باید در خانه تو بمانم.

پس، با عجله پایین آمد و با شادی از او استقبال کرد. و چون این را دیدند، همه شکایت کردند. او به خانه مردی گناهکار رفته است.

و زکی ایستاد و به خداوند گفت: «خداوند، نیمی از دارایی خود را به فقرا می‌دهم. و اگر از کسی چیزی را به ناحق گرفته باشم، چهار برابر آن را پس می‌دهم.» و عیسی به او گفت: «امروز رستگاری به این خانه آمده است.» زیرا او نیز پسر ابراهیم است

زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد. در ابتدای قسمت قبلی، که در آن عیسی گدای نابینایی را شفا داد، به اریحا نزدیک شد، لوقا ۱۸، ۳۵. در این قسمت، او را از همان شهر عبور دادند چنین حرکتی، سفر عیسی، روایت سفر لوقا را که عیسی را به اورشلیم و مرگ و رستاخیز کفاروار او. ۱۹:۱ می‌برد، مشخص می‌کند

در طول این سفر، عیسی درس‌های زیادی به شاگردانش می‌آموزد. بلافاصله، زکی به عنوان یک مرد، یک مأمور ارشد مالیات و یک مرد ثروتمند معرفی می‌شود. آیه ۲. یهودیان مأموران مالیات را که به عنوان مأموران نادرست روم می‌دیدند، مورد انتقاد قرار می‌دادند

مقام زکی به عنوان رئیس مالیات‌گیران به جز این اشاره، ناشناخته است. احتمالاً او بر دیگران که در روم برایش کار می‌کردند، برتری داشت. به طور کلی، مالیات‌گیران از نظر مالی عملکرد خوبی داشتند و زکی به دلیل نقش رهبری‌اش، از دیگران بهتر بود

زکی قد کوتاهی داشت و می‌خواست عیسی را ببیند، اما به دلیل ازدحام جمعیت نمی‌توانست. با وجود تدبیر و تدبیرش، به جلو دوید و از درخت چناری که در مسیر عیسی بود بالا رفت. گرین نشان می‌دهد که زکی مردی در جستجوی حقیقت بود، زیرا با وجود جایگاه و موقعیت یک مرد بالغ در جامعه به عنوان یک مرد ثروتمند، شرم احتمالی بالا رفتن از درخت را تحمل کرد

گرین، انجیل لوقا ۶۶۹. زکی مصمم بود که عیسی را ببیند و موفق شد، اما بسیار فراتر از انتظاراتش. زیرا وقتی عیسی نزدیک شد، به زکی که در درخت بود نگاه کرد و به او گفت که سریع پایین بیاید، زیرا عیسی باید پایین بیاید. ما با این کلمه در انجیل لوقا بسیار آشنا هستیم، باید در خانه‌اش بماند

آیه ۵. زکی با اشتیاق پایین آمد و با شادی از او استقبال کرد، آیه ۶. تمایل عیسی برای مهمان‌نوازی با یک گناهکار شناخته‌شده، شکایت جمعیت را برمی‌انگیزد، آیه ۷. مشابه پاسخ‌های قبلی عیسی برای در آغوش گرفتن تحقیرشدگان ۵.۳۰.۱۵.۲. متی ۹.۶.۷. خداوند گفت، ۱۱. سخنان بعدی زکی خارق‌العاده است

زکی او را خداوند خطاب کرد و علناً اعتراف کرد: «بخشید، پروردگارا، نیمی از دارایی خود را به فقرا می‌دهم و اگر از کسی چیزی دزدیده باشم، چهار برابر آن را پس می‌دهم.» لوقا ۱۹:۸. باخ به ما اطلاع می‌دهد که پیشینه فرهنگی، وسعت وعده زکی را نشان می‌دهد. در یهودیت، بخشیدن ۲۰٪ از دارایی‌های یک فرد سخاوتمندانه تلقی می‌شد

غرامت قانونی برای اخاذی ۲۰٪ بود. لاویان ۱۶:۵. اعداد ۷:۵. اما زکی مجازات مضاعف و سخت‌تری را که قانون موسی برای دزدها تعیین کرده بود، یعنی خروج ۱:۲۲ و ۲۱:۳۷، بر عهده می‌گیرد. زکی با پذیرفتن این وظیفه، به قول دارل‌باک، به نقل از ارل الیس، انجیل لوقا، چاپ دوم، صفحه ۲۲۱، با تقدیم شکرگزاری قلبی دگرگون‌شده را ابراز می‌کند. سخنان زکی وقتی با پاسخ یک حاکم ثروتمند مقایسه شود، حتی تأثیرگذارتر نیز می‌شود

وقتی عیسی به او، حاکم ثروتمند، گفت که دارایی خود را بفروشد، درآمد حاصل از آن را به فقرا بدهد و از عیسی پیروی کند. پس از شنیدن این حرف، او بسیار غمگین شد زیرا بسیار ثروتمند بود، لوقا ۱۸:۲۳. اگر

در مورد صداقت زکی در نجات تردید داشته باشیم، سخنان عیسی آنها را برطرف می‌کند. امروز نجات به این خانه آمده است، زیرا او نیز پسر ابراهیم است.

آیه ۹. تصمیم زکی، تحقق هدف آمدن عیسی به جهان را نشان می‌دهد، که در آیه بعدی، آیه ۱۰، آمده است. زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد. ما دیده‌ایم که این آیه توسط محققان متعدد به عنوان شعار، به عنوان شعار انجیل لوقا، تکرار و مورد توجه قرار گرفته است.

برای مثال، من، هاوارد مارشال، به درستی این آیه را شعار انجیل سوم می‌دانم. موضوع اصلی در نوشته‌های لوقا این است که عیسی نجات را به انسان‌ها ارائه می‌دهد. اگر به دنبال متنی برای خلاصه کردن پیام انجیل بودیم، بدون شک آن متن لوقا ۱۰:۱۹ می‌بود. زیرا پسر انسان آمده تا گمشدگان را نجات دهد. «مارشال، لوقا، مورخ و متکلم، صفحه ۱۱۶.

این متن به درک ما از قوم خدا در عهد جدید کمک می‌کند، زیرا بر اصرار لوقا بر جهان‌شمولی انجیلی تأکید می‌کند. عیسی آمد تا نجات دهد، و او آمد تا همه را نجات دهد، حتی کسانی که در حاشیه جامعه هستند.

لوقا نشان می‌دهد که عیسی به ویژه به نجات فقرا، بیماران و کسانی که توسط افراد محترم گناهکار تلقی می‌شوند، و همچنین به نجات کودکان و خراجگیران اهمیت می‌داد. عیسی در لوقا به مثال شماره ۷ کلیسا اشاره می‌کند، و آن لوقا ۴:۲۴-۴۹ است. پس از خوردن یک تکه ماهی کبابی برای متقاعد کردن شاگردان، مبنی بر اینکه عیسی روح نیست، به آنها گفت: «این سخنان من است که وقتی با شما بودم به شما گفتم.» اینک هر آنچه در تورات موسی و انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد.

سپس ذهن آنها را باز کرد تا کتاب مقدس را بفهمند و به آنها گفت: «اینگونه نوشته شده است که مسیح، باید رنج بکشد و در روز سوم از مردگان برخیزد و توبه و آمرزش گناهان به نام او به همه ملت‌ها اعلام شود از اورشلیم شروع شود. شما شاهد این امور هستید و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم، اما در شهر بمانید تا زمانی که از اعلی به قدرت آراسته شوید.» مسیح قیام کرده بر شاگردانش ظاهر شد، که در نتیجه، آنها وحشت زده و وحشت زده شدند و فکر کردند که روحی می‌بینند.

لوقا ۳۷:۲۴. عیسی با نشان دادن لکه‌های روی دست‌ها و پاهایش به آنها اطمینان داد که خودش است، و در حالی که آنها هنوز از شادی باور نمی‌کردند و شگفت‌زده بودند، به آنها گفت: «چیزی برای خوردن دارید؟» آنها تکه‌ای ماهی کبابی به او دادند. او آن را گرفت و جلوی آنها خورد.

این به آنها نشان داد که او یک روح نیست، بلکه خداوند مصلوب و قیام کرده آنهاست. آیات ۴۲ و ۴۳ از لوقا ۲۴. سپس عیسی ظهور خود را برای شاگردان با توجه به پیشگویی‌های قبلی‌اش تفسیر کرد.

او زنده است زیرا آیه ۴۴ می‌گوید هر آنچه در شریعت موسی و انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است باید به انجام برسد. در اینجا دوباره با مضمون لوقا در مورد وقایعی که طبق طرح الهی اتفاق می‌افتند، مواجه می‌شویم. این مضمون کلیدی اعمال رسولان لوقا است.

سپس عیسی شاگردان را روشن کرد تا بتوانند کتاب مقدس، به ویژه آنهاپی که مرگ و رستاخیز او را پیش بینی می‌کردند، درک کنند. آیات ۴۵ و ۴۶. اما سخنان او به اینجا ختم نشد، زیرا عهد عتیق حتی بیشتر از این را پیش بینی کرده بود.

در اینجا، در پایان انجیل لوقا، عیسی آشکارا آنچه را که قبلاً به آن اشاره کرده بود، آشکار می‌کند و آن اینکه توبه و بخشش گناهان باید به نام او به همه ملت‌ها، از اورشلیم شروع شود، اعلام شود. عیسی قصد دارد

انجیل را به جهان برساند. شاگردان ممکن است سخنان عیسی را اشتباه فهمیده باشند و منظورشان این باشد که خبر خوش باید به یهودیانی که در سراسر امپراتوری پراکنده شده‌اند، برسد.

اما کتاب دوم لوقا به روشنی بیان می‌کند که منظور عیسی این بود که انجیل باید علاوه بر یهودیان، به غیریهودیان نیز برسد. علاوه بر این، عیسی آنها را مأمور می‌کند. آیه ۴۸

او می‌گوید شما شاهد این امور هستید. این سخنان پطرس را در اعمال رسولان ۲ پیشگویی می‌کند، جایی که صلاحیت جاننشینی یهودا از میان مردانی بود که در تمام مدتی که خداوند عیسی در میان ما آمد و رفت می‌کرد، از زمان تعمید یحیی تا روزی که از میان ما بالا برده شد، ما را همراهی می‌کردند. از میان اینان لازم است که یکی از آنها با ما شاهد رستاخیز شود.

اعمال رسولان ۲:۲۱ و ۲۲. جیمز ادواردز مفهوم آیات ۴۶ و ۴۸ لوقا ۲۴ را به خوبی درک می‌کند. بنابراین مأموریت نهایی، جامعه اورشلیم را با اقتدار رسولی منصوب می‌کند و آن را برای مأموریت کاریزماتیک به «ملت‌ها مأمور می‌سازد».

عیسی به شاگردانش آموخت که کتاب مقدس از او به عنوان مصلوب و رستاخیز شده یاد می‌کند. سپس به آنها مأموریت داد تا مژده توبه را که منجر به بخشش گناهان می‌شود، به همه ملت‌ها برسانند. لوقا ۲۴:۴۷

او به آنها پیام داده است. اکنون وعده‌ای از توانمندسازی را اضافه می‌کند که آنها برای تبدیل شدن به مبشران موفق به آن نیاز خواهند داشت. و اینک، من وعده پدرم را بر شما می‌فرستم، اما در شهر بمانید تا زمانی که از اعلی به قدرت آراسته شوید.

آیه ۴۹. بار دیگر، ما مطمئن نیستیم که شاگردانش در آن زمان چقدر سخنان عیسی را درک می‌کردند، اما مطمئناً در روز پنطیکاست آن را درک می‌کردند. عیسی قول داد که روح القدس را بفرستد تا آنها را در کار دشوار بشارت دادن تشویق کند.

علاوه بر این، روح القدس برای هدایت شنوندگان نجات نیافته به سوی خدا تلاش می‌کرد. قرار بود آن ۱۱ نفر در اورشلیم منتظر بمانند تا عیسی آنچه را که وعده داده بود، انجام دهد، که البته این همان چیزی است که دو فصل اول اعمال رسولان به آن اشاره می‌کنند. هاوارد مارشال به طرز مفیدی این متن را با متونی با مضامین مشابه از متی و یوحنا مرتبط می‌کند.

تفسیر مارشال بر لوقا، صفحات ۹۰۳، ۹۰۴. ارتباط این مطالب با متی ۲۸، ۱۶ تا ۲۰، بخش مأموریت بزرگ و یوحنا ۲۰:۲۱ و ۲۳، جایی که عیسی بر شاگردان دمید و به آنها گفت که روح را دریافت کنند، زیرا آنها بشارت خواهند داد و بخشش را برای مردم به ارمغان خواهند آورد. ارتباط بین این مطالب و متی ۲۸ و «یوحنا ۲۰ آشکار است».

لوقا با متی در مورد مأموریت رفتن به سوی ملت‌ها و وعده قدرت الهی مشترک است. او با یوحنا در مورد وعده روح و اشاره به بخشش گناهان مشترک است. بنابراین نمی‌توان تردید کرد که سنت‌های رایج زیربنای این روایت‌ها هستند.

هسته اصلی این است که عیسی به شاگردانش فرمان داد تا مژده را به طور گسترده پخش کنند و بخشش گناهان را پیشنهاد دهند و اینکه او به آنها قدرت الهی را برای انجام وظیفه‌شان وعده داده است. این روش مناسبی برای پایان دادن به بررسی ما از قوم خدا در عهد جدید در انجیل لوقا با تأکید بر اهمیت پیام نجات

مأموریت شاگردان و حضور توانمند روح القدس است. این همچنین روش مناسبی برای انتقال به بخش دوم پیام لوقا، کتاب اعمال رسولان، با کاربرد و گسترش همان سه مضمون است.

اگر خدا بخواهد، از این به بعد چند سخنرانی خواهیم داشت، اما اکنون می‌خواهیم به انجیل لوقا ادامه دهیم، این بار با کتاب بسیار خوب آی. هاوارد مارشال، لوقا مورخ و متکلم، فصل ۷، با عنوان «نجات گمشدگان». موضوع اصلی این کتاب، نجات انسان‌ها است. اگر به دنبال متنی برای خلاصه کردن پیام «باشیم، بدون شک لوقا ۱۰:۱۹ خواهد بود»: پسر انسان آمده است تا گمشدگان را بجوید و نجات دهد.

لوقا با این آیه، داستان خدمت عیسی در جلیل و یهودیه را به پایان می‌رساند. بخش بلافاصله پس از آن، که شامل مثل پوندها است، لوقا ۱۱:۱۹-۲۷، به ورود به اورشلیم می‌پردازد و به بخش جدیدی تعلق دارد که از اینجا شروع می‌شود، نه از آنچه قبلاً گفته شده است. بنابراین، گفته عیسی در اوج خدمت بشارتی او قرار دارد و اهمیت آن را خلاصه می‌کند.

عیسی برای نجات آمد. لوقا با برجسته کردن این ویژگی به عنوان یک ویژگی تعیین‌کننده در خدمت، در مقایسه با سایر انجیل‌نویسان، کار جدیدی انجام می‌داد. با این حال، در عین حال، او مضمون جدیدی را بر سنت انجیل تحمیل نمی‌کرد.

تأکید مرقس تا حدودی متفاوت است. در حال حاضر، نظریه‌های مختلفی در مورد هدف و ویژگی‌های مرقس وجود دارد، اما مطمئناً می‌توانیم این نکته را که مرقس از کلمه انجیل در ارتباط با محتوای کتابش استفاده می‌کند، مهم بدانیم. او خود را ارائه‌دهنده یک پیام می‌داند، همانطور که عیسی پیامی ارائه داد و محتوای پیام، مژده برای کسانی است که آن را دریافت می‌کنند.

اما مرقس پس از خلاصه کردن اجزای اصلی پیام، جزئیات زیادی در مورد محتوای آن ارائه نمی‌دهد. مرقس ۱:۱۴ و آیات بعدی. به نظر می‌رسد که نگرانی او بیشتر متوجه شخص عیسی است ۱:۱۴.

هدف او این است که عیسی را به عنوان مسیح و در درجه اول به عنوان پسر خدا به تصویر بکشد. سوال بسیار مهم این است که شما من را چه کسی می‌دانید؟ مرقس ۸:۲۹. این شواهد تا حدودی شامل چیزی است که ما آن را تجلیات پنهانی می‌نامیم که در آن اقتدار الهی مسیح برای کسانی که چشم دیدن آن را دارند آشکار می‌شود. همچنین شامل آموزه‌ای است که در آن عیسی آشکار می‌کند که وظیفه او شامل رنج کشیدن است قبل از اینکه بتواند به جلال و پیروزی آسمانی دست یابد، و بنابراین شاگردی مستلزم آمادگی از سوی پیروانش برای دنبال کردن همان مسیر رنج است.

اگر بخواهیم تعمیمی بدهیم، شاید بتوانیم بگوییم که مرقس بسیار به شخص عیسی اهمیت می‌دهد. دانستن اینکه عیسی کیست، انجیل او را تشکیل می‌دهد. خلاصه کردن مضامین مختلفی که در انجیل متی بیان شده‌اند، آسان نیست.

دو مضمون اصلی غالب هستند. یکی این است که عیسی، مسیح موعود عهد عتیق و یهودیت است. به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی متی این بوده که به یهودیان نشان دهد عیسی مسیح است و در نتیجه کلیسا قوم واقعی خداست.

بنابراین، متی بسیاری از مطالب مرقس را تکرار می‌کند و ویژگی‌هایی را که نشان می‌دهد عیسی مسیح یهودی است، برجسته می‌سازد. موضوع اصلی دیگر او آموزه‌های عیسی است. به نظر می‌رسد متی آگاهانه گفته‌های عیسی را گرد هم آورده و آنها را بر اساس موضوع مرتب کرده است، به طوری که برداشت غالب از فعالیت عیسی این است که او معلمی بوده که به پیروان خود آموزش‌های نسبتاً منظمی داده است.

این بدان معنا نیست که متی در حال ارائه یک شریعت‌گرایی جدید است. بلکه او معتقد است که رستگاری در سخنان عیسی نهفته است. مناسب است که به طور خلاصه انجیل یوحنا را نیز بررسی کنیم، زیرا ارتباطات خاصی بین آن و لوقا وجود دارد که نشان می‌دهد دو انجیل نویس یا حداقل سنت‌های زیربنایی انجیل‌های آنها به نوعی با هم مرتبط بوده‌اند.

در اینجا، عیسی به عنوان کسی دیده می‌شود که خدا را آشکار می‌کند و حیات جاودان خدا را به انسان‌ها منتقل می‌کند. مقوله حیات جاودان، مفهوم اساسی رستگاری در انجیل یوحنا است و عیسی اساساً بر اساس رابطه فرزندی نزدیک با پدرش معرفی می‌شود. او با این اصطلاحات معرفی می‌شود.

هدف انجیل به شدت بشارتی است، اگرچه دامنه وسیع‌تری نیز دارد. از این توصیف مختصر از سایر انجیل‌ها، در ابتدا، حتی قبل از اینکه آموزه‌های لوقا را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم، آشکار خواهد شد که موضوع نجات و عیسی به عنوان آورنده نجات، از ویژگی‌های متمایز لوقا است. تأکید بیشتر بر کیفیت مثبت آنچه عیسی برای انجام آن در جهان و ارائه آن به انسان‌ها آمده است، می‌باشد و واژگانی که لوقا برای بیان این موضوع استفاده می‌کند، در سایر انجیل‌ها چندان مشهود نیست.

در عین حال، واضح است که هدف لوقا اساساً با هدف سایر انجیل‌ها متفاوت نیست. هر یک از انجیل‌ها بشارتی هستند. هر یک از آنها دغدغه معرفی عیسی به عنوان منجی را دارند.

اما در حالی که تأکید در انجیل مرقس بر شخص مسیح، در انجیل متی بر تعالیم عیسی و در انجیل یوحنا بر تجلی حیات جاودان در اوست، تأکید لوقا بر برکات نجاتی است که او به ارمغان می‌آورد. بنابراین، به طور کلی، رویکرد لوقا اساساً با رویکرد سایر انجیل‌نویسان متفاوت نیست. همه آنها به نجات به معنای وسیع آن توجه دارند.

همچنین لوقا در اصطلاحات خود کاملاً نوآور نیست. مفهوم نجات برای آموزه‌های عهد جدید اساسی است. ۱. تسالونیکیان از قدیمی‌ترین نوشته‌های عهد جدید است و بسیاری از محققان آن را قدیمی‌ترین رساله موجود از پولس می‌دانند.

با این حال، اگر این اولین نوشته پولس نباشد، به نظر ما، غلطیان احتمالاً مقدم بر آن بوده است؛ تاریخ، آن، برای هدف فعلی ما که تعیین قدمت اصطلاح نجات در کلیسای اولیه است، اهمیت دارد. در اینجا، پولس را می‌بینیم که از نجات یافتن غیریهودیان به گونه‌ای صحبت می‌کند که نشان می‌دهد این اصطلاح اصطلاح رایجی برای تغییر کیش مسیحی بوده است. اول تسالونیکیان ۲:۱۶. همین اصطلاح در سراسر رساله‌های او دوباره ظاهر می‌شود و فقط در غلطیان و کولسیان وجود ندارد.

از دیگر نوشته‌های عهد جدید، تنها دوم و سوم یوحنا از کلمه گروه استفاده نمی‌کنند. این نشان می‌دهد که نه تنها این اصطلاح در اوایل پیدایش آن پدیدار شده، بلکه در سراسر کلیسا نیز رواج داشته است. می‌توانیم به عقب‌تر برگردیم.

دلیل خوبی وجود دارد که باور کنیم پولس در رومیان ۹:۱۰ از یک فرمول موجود استفاده می‌کند. اگر با لب‌هایتان اعتراف کنید که عیسی خداوند است و در قلبتان ایمان داشته باشید که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهید یافت. در اینجا چیزی که بدون شک یک اعتراف اولیه ایمان است، نقل شده است.

ما همچنین می‌دانیم که پولس خلاصه خود از اولین موعظه را در اول قرن‌تین ۱۵:۳ آغاز می‌کند و در ادامه می‌گوید که به وسیله این انجیل است که انسان‌ها نجات می‌یابند. آیه ۲. این نشان می‌دهد که برای او خلاصه‌های اولیه انجیل با ایده نجات یافتن گره خورده بود. منجی موعود.

اگر داستان زکی اوج رسالت عیسی را قبل از ورود او به اورشلیم و وقایع منتهی به مصائب مسیح تشکیل می‌دهد، صحنه آغازین که الگوی آنچه در ادامه می‌آید را تعیین می‌کند، موعظه عیسی در کنیسه ناصره است، لوقا ۴: ۱۶-۳۰. معمولاً فرض بر این است که واقعه ثبت شده در اینجا همان واقعه مرقس ۶: ۱-۶ است و لوقا آن را به دلیل ماهیت برنامه‌ای آن برای توصیف رسالت، در روایت آورده است. برخی پا را فراتر گذاشته و روایت در این مرحله را عمدتاً ناشی از ویرایش خود لوقا از داستان در مرقس می‌دانند. اگر این دو نکته صحیح باشد، پس این واقعه به شکل فعلی خود به وضوح اهمیت زیادی در نشان دادن چگونگی تمایل لوقا به خوانندگانش برای رویکرد به داستان رسالت دارد.

با این حال، هیچ یک از این دو فرض را نمی‌توان بدون تردید رها کرد. تحلیل سنت و ویرایش در داستان بسیار مورد بحث است، اما بسیاری از محققان موافقند که برای بخشی یا تمام داستان از منبع دیگری غیر از مرقس استفاده شده است. علاوه بر این، اچ. شورمن دلیلی برای وجود منبع جایگزینی ارائه کرده است که چگونگی آغاز رسالت عیسی را روایت می‌کند.

این روایت که هم توسط متی و هم توسط لوقا استفاده شده است، حداقل شامل لوقا ۱۴: ۴-۱۶ می‌شود و سفری به ناصره را در آغاز خدمت تأیید می‌کند. اگر این پیشنهادات صحیح باشند، نتیجه می‌شود که بخش مهمی از استدلال مبنی بر اینکه لوقا خود این صحنه را برای تعیین الگوی خدمت ساخته است، از شواهد و مدارک به دست می‌آید. با این وجود، هنوز هم درست است که لوقا ترجیح داده است از این گزارش خاص از آغاز خدمت به جای هر گزارش دیگری استفاده کند، و بنابراین، باید از نظر او اهمیت خاصی داشته باشد.

می‌توانیم به طور مشروع آن را از این دیدگاه بررسی کنیم. بخش آغازین روایت، چگونگی برخاستن عیسی برای خواندن درس انبیا در مراسم کنیسه را شرح می‌دهد، و او از اشعیا ۶۱: ۱-۲ خواند، و سپس با اعلام اینکه نقل قول: امروز این نوشته در گوش شما به حقیقت پیوست، همراهانش را شگفت‌زده کرد، نزدیک، نقل قول: این بخش از داستان است که ما بلافاصله به آن می‌پردازیم.

اول، اولین چیزی که باید در اینجا مشاهده شود این است که عیسی از عهد عتیق نقل قول می‌کند و در مورد تحقق آن صحبت می‌کند. عبارت نقل شده توسط پیامبر به صورت اول شخص بیان شده است و بنابراین، ظاهراً به حس رسالت خود او اشاره دارد. با این حال، می‌توان گوینده را با بنده یهوه که به طور برجسته در فصل‌های قبل از پیشگویی حضور دارد، یکی دانست.

در هر صورت، این متن در اینجا به معنای پیشگویی، نبوی تلقی می‌شود و ادعا می‌شود که این متن در خود عیسی تحقق یافته است. شخصیت و عمل او در این پیشگویی توصیف شده است. این بدان معناست که عمل عیسی را می‌توان به درستی آخرالزمانی دانست.

یعنی، فعالیت او به عنوان چیزی که در عهد عتیق به وقوع آن در آینده پیشگویی شده بود، در نظر گرفته می‌شود. و از آنجایی که یک دوره چند صد ساله، پیشگویی را از زمان پایان، پیشگویی را، ببخشید، از تحقق آن جدا می‌کرد، مطمئناً پیشگویی به عنوان اشاره به زمان پایان در نظر گرفته می‌شد تا ظهور عیسی به عنوان یک رویداد مربوط به زمان پایان تلقی شود. این یک نتیجه گیری مهم است.

این بدان معناست که رسالت عیسی، حتی به معنای دقیق کلمه، به عنوان یک رویداد آخرازمانی در نظر گرفته می‌شود. این موضوع با شواهد موجود در سایر متون لوقا تأیید می‌شود. می‌توانیم روایت تولد را به یاد آوریم که در آن یحیی تعمید دهنده به عنوان آماده کننده راه برای خداوند در نظر گرفته می‌شود، که برگرفته از پیشگویی عهد عتیق در مورد آمدن الیاس است.

خود عیسی مسیح موعود خاندان داوود معرفی شده است. این نکات در لوقا ۷:۱۸ و پس از آن مطرح شده‌اند، جایی که از ملاکی ۳:۱ برای توضیح کار یحیی تعمید دهنده نقل قول شده است و خدمت عیسی در مجموعه‌ای از عبارات از اشعیا ۲۹:۱۸، ۳۵:۳ و ۶۱:۱ توصیف شده است. در اینجا نیز، عباراتی که ذکر شده‌اند، عباراتی هستند که انتظار می‌رفت در زمان آخر تحقق یابند. به طور مشابه، در لوقا ۱۰:۲۳ و ۲۴، عیسی به شاگردانش می‌گوید: «خوشا به حال چشمانی که آنچه را شما می‌بینید می‌بینند، زیرا به شما می‌گویم بسیاری از انبیا و پادشاهان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند و ندیدند، و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند و نشنیدند.»

در ساعت آینده به پیام خوب هاوارد مارشال در کتاب لوقا، مورخ و الهی‌دان، ادامه خواهیم داد.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد الهیات لوقا-اعمال رسولان است. این جلسه ۹ است رابرت ای. پترسون، کلیسا در لوقا، قوم خدا در عهد جدید، بخش ۲، و من. هاوارد مارشال، برای نجات گمشدگان.